



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

“Lesson 1”

Understanding People

توجه: هدف اصلی از به اشتراک گذاری این مجموعه از جزوه ها، کمک به دانش آموزان در تعطیلات اجباری اسفند ماه ۹۸ است. اما متأسفانه در این جزوه ها به دلیل کمبود وقت، گاهی از مثال ها و تستهای تعدادی از کتابهای موجود در بازار استفاده شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تست و مثالهای جدید جایگزین میشوند. همچنین در نسخه های اصلی، منابع استفاده شده حتماً ذکر شده و جنبه امانت داری کاملاً رعایت خواهد شد.

"با تشکر فراوان"

And among His signs is the creation of the heavens and the earth,
and the variations in your languages and your colors: verily in that are
signs for those who know.

“The Roman 22”

و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و گوناگونی رنگ پوست و اختلاف زبانهای شماست، همانا در این

(سوره روم آیه ۲۲)

امر نشانهایی برای دانایان وجود دارد.

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
ability	توانایی - لیاقت ، شایستگی	completely	کاملاً
absolutely	کاملاً ، قطعاً	confident	مطمئن
access	دسترسی، دستیابی - اضافی	consider	بررسی کردن، در نظر گرفتن
across	از عرض ، در امتداد	context	(جمله) بافت
action	اقدام، عمل	continent	قاره
add	اضافه کردن، جمع بستن	create	ایجاد کردن
additional	اضافی	cultural	فرهنگی
afraid	ترسیدن، نگران بودن	culture	فرهنگ
age	سن، عمر - عصر ، دوره	danger	خطر
always	همیشه	day-to-day	روزانه
amazing	شگفت انگیز، حیرت برانگیز	deaf	کر، ناشنوا
amount	مقدار، میزان	despite	علی رغم - با وجود ، با اینکه
appear	آشکار شدن - به نظر رسیدن	destroy	تخریب کردن، نابود کردن
appropriate	مناسب، شایسته ، درخور	develop	توسعه دادن، گسترش دادن
artist	هنرمند ، هنرپیشه	development	توسعه
at least	حداقل	dictionary	فرهنگ لغت
available	موجود، در دسترس	die	(زبان) از بین رفتن ، مردن
beginner	مبتدی، تازه کار	die out	از بین رفتن، منقرض شدن
beginning	شروع، آغاز، ابتدا	difference	تفاوت، اختلاف
belief	اعتقاد، باور، ایمان	disappear	ناپدید شدن
belong	تعلق داشتن به، وابسته بودن به	early	زود، به زودی - اولیه
besides	به غیر از، علاوه بر	endangered	در معرض خطر
broadcast	پخش (برنامه تلویزیونی و...)	enjoy	لذت بردن
borrow	قرض گرفتن	escape	فرار کردن
bottle	بطری	exchange	مبادله کردن، عوض کردن
call	نامیدن، صدا زدن - تماس گرفتن	exercise	تمرین (درس) - ورزش
candle	شمع	explanation	توضیح
capital letter	حرف بزرگ	exist	وجود داشتن، هستی داشتن
century	قرن	experience	تجربه
certainly	قطعاً ، مسلماً	fall down	افتادن، سقوط کردن
choose	انتخاب کردن	farming	کشاورزی
circle	دور ... خط کشیدن، چرخیدن	favorite	مطلوب، مورد علاقه
communicate	ارتباط برقرار کردن	feeling	احساس
comb	شانه (برس موی سر)	finally	در نهایت، سرانجام
communication	ارتباط	fluent	(سخن) روان، سلیس
complete	کامل کردن، تکمیل کردن	fluently	به طور روان

لغات مهم درس اول پایه یازدهم *Key Words of Vision Two (Lesson one)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
foreigner	خارجی	matter	مسئله، مشکل
form	تشکیل دادن	mean	معنی دادن، منظور داشتن
fortunately	خوشبختانه	means	وسیله، ابزار
frequently	اغلب، پی در پی، به طور مکرر	measure	اندازه گیری کردن
give up	رها کردن، تسلیم شدن	meet	برآورده کردن - ملاقات کردن
grade	نمره - درجه، کلاس	mental	ذهنی
greatly	زیاد، به طور عمده	mention	بیان کردن، ذکر کردن
happen	اتفاق افتادن، روی دادن	mind	ذهن
hint	اشاره، نکته	mother tongue	زبان مادری
holy	مقدس	museum	موزه
honest	درستکار، صادق، راستگو	nation	ملت، کشور
honestly	به درستی، صادقانه	native	بومی، مادری، محلی
host	میزبان، مجری تلویزیونی	nearly	تقریباً، تا حدودی
imagine	تصور کردن	neighbor	همسایه
impossible	غیر ممکن	never	هرگز
increase	افزایش دادن	notebook	دفترچه یادداشت
institute	مؤسسه	notice	توجه
intent	قصد، تمایل	nowadays	این روزها، امروزه
interest	علاقه	number	عدد، رقم - شماره
international	بین المللی	object	مفعول - شیء
interview	مصاحبه کردن، مصاحبه	often	اغلب
invite	دعوت کردن	orally	به طور شفاهی
knowledge	دانش	order	سفارش دادن - نظم، ترتیب
label	نشان، برچسب، برچسب زدن	pattern	الگو، روش
language	زبان	period	نقطه - دوره زمانی
largely	زیاد، به طور عمده	photograph	عکس
laugh	خندیدن	phrase	عبارت
less	کمتر	physical	جسمی، بدنی
list	فهرست کردن، فهرست، لیست	pick	برداشتن
loaf	(نان) قرص	popular	محبوب - پر طرفدار
lose	از دست دادن، گم کردن - باختن	power	قدرت، توان - نیروی برق
loudly	با صدای بلند	predictive	قابل پیش بینی
luckily	خوشبختانه	price	قیمت، نرخ، بها - ارزش
make up	تشکیل دادن	percent	درصد
mark	علامت گذاری کردن، نشانه، علامت	probable	محتمل، احتمالی
master	یادگرفتن، مسلط شدن، استاد	project	پروژه، طرح، برنامه

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
pronounce	تلفظ کردن	strong	قوی
pronunciation	تلفظ	subject	فاعل - موضوع
protect	حمایت کردن، محافظت کردن	suggest	پیشنهاد دادن
protection	حمایت، محافظت	suitable	مناسب - شایسته
quiet	ساکت، آرام، بی صدا	surf	گشتن در (اینترنت)
quit	ترک کردن	surprising	تعجب آور - شگفت انگیز
range	امتداد داشتن - در نوسان بودن	syllable	هجا بخش (کلمه)
ready	آماده - حاضر	synonym	هم معنی - مترادف
receive	بدست آوردن، دریافت کردن	system	سیستم
remember	به خاطر آوردن	take	گرفتن - برداشتن
repeat	تکرار کردن	therefore	بنابراین
respect	احترام گذاشتن	through	از طریق - از میان ، از وسط
save	ذخیره کردن	tiny	کوچک، ریز
scan	نگاه سریع انداختن	tongue	زبان - بر زبان آوردن
seek	جستجو کردن	translate	ترجمه کردن
sign	نشانه	translator	مترجم
sign language	زبان اشاره	turn off	خاموش کردن
similar	مشابه، یکسان	twice	دوبار
simple	ساده، آسان	type	نوع ، دسته - تایپ کردن
simply	به سادگی	under	زیر
skill	مهارت - استادی - هنرمندی	underline	زیر... خط کشیدن
slice	تکه - قاچ ، برش	understand	فهمیدن، متوجه شدن، درک کردن
smart	باهوش، زرنگ	unfortunately	متأسفانه
society	جامعه، اجتماع	usually	معمولاً
sometimes	گاهی، بعضی اوقات	valuable	با ارزش، گران بها
space	فضا - فاصله	value	ارزش، بها ، نرخ
speaker	سخنران. گوینده	vary	تغییر دادن، نوسان کردن، عوض کردن
specific	ویژه، خاص	visit	دیدن ، ملاقات کردن
step	مرحله ، قدم	way	روش، راه، شیوه ، طریقه
storybook	کتاب داستان	wish	آرزو
strategy	راهکار - استراتژی	written	کتبی، نوشتاری
stress	تأکید - استرس	wrongly	به اشتباه، غلط

سایر لغات مهم درس یک یازدهم *Other Important Words of Lesson One*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
happiness	خوشحالی	survive	زنده ماندن
vocabulary	واژگان	compare	مقایسه کردن
honesty	صداقت ، درستکاری	training	آموزش
fear	ترس	layer	لایه
luck	شانس ، بخت	straight	مستقیم ، راست
patience	صبر	willing	مایل ، مشتاق
cement	سیمان	continuously	پیوسته ، همیشگی
grass	چمن	firmly	محکم ، ثابت
butter	کره	transfer	انتقال دادن
toothpaste	خمیر دندان	advance	پیشرفت ، پیش بردن
steam	بخار ، بخار آب	population	جمعیت
wrestling	کشتی گرفتن	run	دویدن، اداره کردن
flour	آرد	carelessness	بی فکری ، بی توجهی ، بی مبالاتی
dust	گرد و غبار	doubt	شک داشتن
chalk	گچ	reach	رسیدن به ، دست یافتن
sand	شن	promise	قول دادن
salt	نمک	admit	پذیرفتن ، اجازه دادن
transportation	حمل و نقل	entirely	کاملاً
furniture	اسباب ، وسایل	actually	در واقع
equipment	تجهیزات	lie	دروغ گفتن
jewelry	جواهر فروشی	suffer from	رنج بردن از
machinery	دستگاه	during	در زمان ، در طی

Notes:

Conversation

Babak Saberian is a translator who works for IRIB1. Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان یک مترجم است که برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کار می کند. او امروز در دفتر کارش میزبان میثم است. میثم یک دانش آموز دبیرستانی ست. او در حال مصاحبه با آقای صابریان برای پروژه ی مدرسه اش است.

Meysam: Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office.

میثم: آقای صابریان از دعوت من به دفتر کارتون متشکرم.

Mr. Saberian: You're welcome!

آقای صابریان: خواهش می کنم!

Meysam: I heard you know three languages. Is that right?

میثم: من شنیدم شما ۳ زبان بلدید. درسته؟

Mr. Saberian: Well, actually four languages.

آقای صابریان: خُب. راستش چهار زبان(بلدم).

Meysam: Four! Really?! What languages do you know?

میثم: چهار(زبان)! واقعاً؟ چه زبان هایی را می دونید؟

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well.

آقای صابریان: من علاوه بر زبان مادری ام فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی رو به خوبی می دونم.

Meysam: Interesting! And when did you learn them?

میثم: جالبه! و شما چه موقع اونا (این زبانها) رو یاد گرفتید؟

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in.

آقای صابریان: من در مدرسه وقتی سیزده ساله بودم شروع به یادگیری انگلیسی کردم. بعد، وقتی پانزده ساله بودم در یک مؤسسه ی زبان شروع به یادگیری فرانسوی کردم و هنگامی که در مسکو دانشجو بودم روسی یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them fluently?

میثم: آیا شما می تونید از همه ی اونا روان استفاده کنید؟

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more.

آقای صابریان: من همه ی اونا رو خوب بلدم. اما از انگلیسی بیشتر استفاده می کنم.

Meysam: OK. Do you think language learning should start as early as possible?

میثم: بسیار خُب. آیا شما فکر می کنید یادگیری زبان باید خیلی زود شروع بشه؟

Languages of the World

زبانهای دنیا

Language is a system of communication. It uses written and spoken forms. People use language to communicate with each other in a society. They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.

زبان سیستم برقراری ارتباط است. آن از کلمه های نوشتاری و گفتاری استفاده می کند. مردم در جامعه از زبان استفاده می کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. آن ها از طریق آن (زبان) تبادل دانش، عقاید، آرزوها و احساسات می کنند.

Languages vary greatly from region to region. They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent. It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world. There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.

زبان ها از یک منطقه به منطقه ی دیگر خیلی فرق می کنند. آن ها ان قدر متفاوت هستند که یک شخص ممکن است زبان یک نفر از یک منطقه، کشور یا قاره ی دیگر را درک نکند. جای تعجب نیست که بشنویم امروزه حدود ۷۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارند. در آفریقا بیش از ۲۰۰۰ (زبان)، در آمریکا ۱۰۰۰ (زبان)، در آسیا بیش از ۲۲۵۰ (زبان)، در اروپا حدود ۲۳۰ (زبان) و در اقیانوسیه بیش از ۱۳۰۰ زبان وجود دارند.

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers. The most popular language in the world is Chinese. More than one billion people in the world speak Chinese.

صحبت کننده های بومی این زبانها از نظر تعداد از خیلی زیاد، با صدها میلیون صحبت کننده، تا خیلی کم، با کم تر از ۱۰ صحبت کننده متغیر هستند. پرتعدادترین زبان دنیا چینی است. بیش از یک میلیارد نفر در دنیا چینی صحبت می کنند.

Interestingly, English has fewer native speakers than Chinese, but there are about one billion learners of English all around the world. They learn English as an international language.

جالب این که انگلیسی صحبت کننده های بومی کم تری از چینی دارد اما در سرتاسر جهان حدود یک میلیارد فراگیر انگلیسی وجود دارد. آن ها زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین المللی یاد می گیرند.

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers. In the beginning of the twenty-first century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers. The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages. We call them 'endangered languages'. As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.

حدود پنجاه درصد از زبان های دنیا کمتر از ۵۰۰۰ صحبت کننده دارند. در ابتدای این قرن، ۲۰۴ زبان کم تر از ۱۰ صحبت کننده و ۳۴۴ زبان بین ۱۰ تا ۹۹ صحبت کننده داشتند. ۸۴۸ زبان با کمتر از ۹۹ صحبت کننده حدود ۸ درصد زبان های دنیا را تشکیل می دهند. ما آن ها را «زبان های در معرض خطر» می نامیم. هم چنان که صحبت کننده های چنین زبان هایی پیر می شوند و می میرند، زبان هایشان نیز خواهند مرد.

همه ی زبان ها علی رغم اختلاف هایشان واقعاً با ارزش هستند. هر زبانی یک وسیله ی ارتباطی شگفت انگیز است که نیاز های صحبت کننده هایش را بر آورده می کند. غیر ممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد. بنابراین، ما باید به همه ی زبان ها احترام بگذاریم، مهم نیست که آنها چقدر متفاوت هستند و چه تعداد صحبت کننده دارند.

[illegible]

گرامر درس اول: اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش:

در درس اول سال دهم به طور مفصل با اسم و انواع آن آشنا شدیم. در این درس با یک تقسیم بندی دیگر اسامی آشنا خواهیم شد. از نظر اینکه آیا اسمها را میتوان شمرد یا نه، اسامی به دو دسته اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش تقسیم میشوند.

۱) اسمهای قابل شمارش (Countable Nouns):

اسمهای قابل شمارش اسم هایی هستند که بتوان آنها را شمارش کرد. این اسم ها میتوانند به دو صورت **مفرد** و **جمع** باشند. قبل از اسمهای قابل شمارش میتوان از اعداد برای شمارش آنها استفاده کرد. مثلاً اسم "کتاب". ما می توانیم بگوئیم ۱ کتاب، ۲ کتاب. اسم مفرد قابل شمارش، هیچ وقت به صورت تنها در جمله آورده نمیشود و حتماً باید قبل از آن تعیین کنندهایی مثل a, an, the، صفات ملکی و... استفاده شود:

I have a book. → (Not: I have ~~book~~.)

۲) اسمهای غیر قابل شمارش (Uncountable Nouns):

اسم های غیر قابل شمارش اسم هایی هستند که قابل شمارش نیستند و نمیتوان آنها را شمرد. در نتیجه این گونه اسمها به صورت مفرد دیده میشوند و حالت جمع ندارند. پس اسم های غیر قابل شمارش رو نمیتوان جمع بست و این کار در انگلیسی مصطلح نیست. مثلاً کلمه cheese یا پنیر در انگلیسی یه اسم غیر قابل شمارش بوده و نمی توانیم آن را به صورت cheeses جمع ببندیم. انگلیسی ها برای اندازه گیری اسم های غیر قابل شمارش از واحدها و اندازه گیری هایی استفاده می کنند که این واحدها قابل شمارش هستند و قبل از اسم های غیر قابل شمارش آورده میشوند تا مفاهیم را انتقال بدهند. مثلاً "cheese" که غیر قابل شمارش میباشد، برای آن از واحد کیلوگرم استفاده میشود. مثلاً میگوئیم یک کیلو یا دو کیلو پنیر می خواهیم که انگلیسی آن به صورت زیر خواهد بود:

I want one **kilo** of that cheese. → I want two **kilos** of that cheese.
 اسم غیر قابل شمارش واحد شمارش

توجه مهم: واحدهای اندازه گیری که قبل از اسم غیر قابل شمارش بکار میروند جمع بسته میشوند نه اسم غیر قابل شمارش. تعدادی از واحدهایی که برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش استفاده میشوند عبارتند از:

معنی	واحد شمارش	معنی	واحد شمارش	معنی	واحد شمارش
یک کیلو از	a kilo of	یک بطری از	a bottle of	یک قرص	a loaf of
یک قطره از	a drop of	یک تکه از	a piece of	یک فنجان	a cup of
یک بسته از	a packet of	یک کیسه	a bag of	یک کارتن	a carton of
یک برگه از	a sheet of	یک لیوان از	a glass of	یک برش، یک تکه	a slice of
یک قوطی	a can of	یک لوله	a tube of	یک شیشه از	a jar of
یک جعبه از	a box of	یک کاسه از	a bowl of	یک قالب / شمش	a bar of

a bottle of water یه بطری آب → two, three bottles of water

نکته: باید به این مسأله هم اشاره کنیم چون زبان فارسی و انگلیسی دو زبان متفاوت هستند، این احتمال وجود دارد که اسمی در زبان فارسی قابل شمارش باشد اما در زبان انگلیسی غیر قابل شمارش محسوب گردد.

تقسیم بندی اسم های غیر قابل شمارش:

۱- اسمهای انتزاعی که به طور فیزیکی قابل لمس کردن نیستند:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
علاقه	interest	خوشبختی	happiness	نور خورشید	sunshine
فضا	space	دانش	knowledge	نصیحت	advise
توجه	notice	عشق	love	خطر	danger
نیرو	power	ترس	fear	درد	pain
شانس	luck	موسیقی	music	سلامتی	health
صداقت	honesty	تجربه	experience	آموزش	education
پول	money	صبر	patience	کمک	help

۲- اسمهایی که برای تشکیل آنها چند مواد ترکیب شده تا آن اسم بوجود آید:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
هوا	air	کاغذ	paper	سوپ	soup
شکر	sugar	پنیر	cheese	سیمان	cement
لغت	vocabulary	کیک	cake	نان	bread

۳- اسم زبانها:

German	French	Italian	English	Japanese	Italian
--------	--------	---------	---------	----------	---------

۴- اسمهایی که به ظاهر اسم جمع هستند ولی در واقع اسم های غیر قابل شمارش می باشند.

news	physics	mathematics
------	---------	-------------

۵- مایعات و نیمه جامدات و گازها:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
آهن	iron	شیر	milk	گوشت	meat
اکسیژن	oxygen	خون	blood	آب	water
دود	smoke	قهوه	coffee	مربا	jam
بخار	steam	یخ	ice	نوشابه	soda
چوب	wood	طلا	gold	خمیر دندان	toothpaste
چای	tea	شکلات	chocolate	کره	butter
روغن	oil	هوا	air	پنیر	cheese

۶- ورزشها و سرگرمیها:

wrestling	shopping	basketball	fishing	swimming	tennis
-----------	----------	------------	---------	----------	--------

۷- ذرات و دانه ها:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
شکر	sugar	آرد	flour	برف	snow
گچ	chalk	گرد و خاک	dust	شن	sand
برنج	rice	موی سر	hair	نمک	salt

۸- اسامی که به یک مجموعه (واحد کل) اشاره دارند:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
مبلمان منزل	furniture	تکلیف	homework	پوشاک	clothing
ماشین آلات	machinery	جواهرات	jewelry	حمل و نقل	transportation
میوه	fruit	وسایل سفر	baggage	تجهیزات	equipment

۹- اسامی رشته های تحصیلی و عناوین درسها:

art	biology	history	geography	mathematics	chemistry
-----	---------	---------	-----------	-------------	-----------

۱۰- پدیده های طبیعی:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
رعد و برق	thunder	گرما	heat	آب و هوا	weather
آتش	fire	برف	snow	نور خورشید	sunshine
نور	light	طوفان	storm	سرما	cold
باد	wind	باران	rain	مه	fog

نکته مهم: از آنجایی که اسم های غیر قابل شمارش حالت جمع ندارند و همیشه همچون اسمهای مفرد در نظر گرفته میشوند، فعلهایی که با آنها به کار میروند باید به صورت مفرد باشند.

There **is** a lot of **news** about the car accident.

(Not: There **are** a lot of news about the car accident.)

تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسم جمع قابل شمارش قرار می گیرند:

lots of	a lot of	plenty of	several	many	some	a few	few
---------	----------	-----------	---------	------	------	-------	-----

نکته: این تعیین کننده ها باید حتما قبل از اسم جمع قابل شمارش باشند نه مفرد.

تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسم غیر قابل شمارش قرار می گیرند:

lots of	a lot of	plenty of	much	some	a little	little
---------	----------	-----------	------	------	----------	--------

تعیین کننده های کمیتی مشترک: برخی از تعیین کننده هایی که قبل اسم های قابل شمارش جمع و اسم های غیر قابل شمارش

lots of, a lot of, plenty of, some

مشترک هستند که عبارتند از:

کاربرد plenty of, a lot of, lots of: این سه تعیین کننده هم قبل از اسم های قابل شمارش جمع مورد استفاده قرار میگیرند و هم قبل از اسمهای غیر قابل شمارش. اگر قبل از اسمهای قابل شمارش جمع مورد استفاده قرار بگیرند "اندازه و تعداد زیاد" را نشان میدهند و اگر قبل از اسمهای غیر قابل شمارش بیایند "مقدار زیاد" آن اسم را مشخص میکنند.

I've got *a lot of* **problems** in math. (قبل از اسم جمع قابل شمارش)

I bought *lots of* **books** for my brother to study. (قبل از اسم جمع قابل شمارش)

Last month, we travelled to London and I spent *lots of* **money**. (قبل از اسم غ ق ش)

These days I'm very busy and I don't have a lot of **time** to exercise. (قبل از اسم غ ق ش)

کاربرد many: میتواند در جملات مثبت، سؤالی و منفی قبل از اسم جمع قابل شمارش مورد استفاده قرار بگیرد. نکته: قبل از اسامی سال، ماه، هفته و روز و عباراتی که به زمان مربوط میشوند به جای **a lot of** و **lots of** فقط از **many** استفاده میشود.

I have been to England **many years** ago.

(Not: I have been to England **a lot of** years ago).

کاربرد much: به معنای مقدار "زیاد" میباشد و تنها قبل از اسمهای غیر قابل شمارش مورد استفاده قرار می گیرد. much بیشتر در جملات منفی و سؤالی مورد استفاده قرار می گیرد.

I didn't have *much* **money** to buy a present for my mother.

I usually don't spend *much* **time** to go to the gym.

در جمله مثبت به جای آوردن much از **a lot of** یا **lots of** استفاده میشود.

I usually drink *a lot of* **coffee** at night.

(Not: I usually drink **much** coffee at night.)

کاربرد some: به معنی (تعدادی)، قبل از اسامی جمع قابل شمارش و به معنی (مقداری) قبل از اسامی غیر قابل شمارش بکار برده میشود. از **some** اکثراً در جملات مثبت استفاده میکنیم:

There is *some* **milk** in the bottle. (قبل از اسامی غیر قابل شمارش)

There are *some* **pens** in my bag. (قبل از اسامی جمع قابل شمارش)

اما برای درخواست و پیشنهاد از **some** در جملات سؤالی هم بهره میگیریم:

Would you like **some** milk? آیا کمی شیر میل دارید؟

کاربرد a few و few: هردو قبل از اسم قابل شمارش جمع استفاده میشوند. در جملاتی که در آن از a few استفاده میشود مفهوم مثبتی را می‌رساند (به معنای تعداد کم در حدی که کافی باشد) و برعکس در جملاتی که در آنها قبل اسم از few استفاده بشود جمله منفی میشود. (به معنای تعداد خیلی خیلی کم در حدی که کافی نباشد و در حد صفر میباشد).

There are **a few students** in the class. There are enough people to hold the class.

تعداد کمی دانش آموز سر کلاس هستند. برای تشکیل کلاس کافی هستند. (کلاس تشکیل میشود)

There are **few students** in the class. There are not enough people to hold the class.

تعداد خیلی خیلی کمی دانش آموز سر کلاس هستند. برای تشکیل کلاس کافی نمیباشند (کلاس تشکیل نمیشود)

کاربرد a little و little: بعد از هردوی اینها از اسم غیر قابل شمارش استفاده میکنیم. در جملاتی که در آن از a little استفاده

میشود مفهوم مثبتی را می‌رساند (به معنای مقدار کم در حدی که کافی باشد) و برعکس در جملاتی که در آنها قبل اسم از little استفاده بشود جمله منفی میشود. (به معنای مقدار خیلی خیلی کم در حدی که کافی نباشد و در حد صفر میباشد).

My parents are going to visit us tonight. We have **a little** fruit in the fridge.

والدینم امشب میخواهند از ما دیدن کنند. در یخچال یه مقدار میوه داریم. (میوه کم است اما به اندازه کافی میباشد).

My parents are going to visit us tonight. We have **little** fruit in the fridge.

والدینم امشب میخواهند از ما دیدن کنند. در یخچال مقدار خیلی خیلی کمی میوه داریم. (میوه خیلی کم است به اندازه کافی نمیباشد).

نتیجه گیری: پس با توجه به مثال ها و توضیحات بالا، جمله ای که در آن از a little استفاده میشود می‌توانیم متوجه بشویم که مفهوم مثبتی دارد. درست است که آن مقدار کم هست ولی تا حدی هست که کافی باشد و کار ما را راه بندازد. و در جمله ای که در آن از little استفاده میشود متوجه میشویم که مفهوم آن منفی تر بوده و نشان میدهد که مقدار اون اسم یا چیزی که قبلش از little استفاده شده بیش از حد کم میباشد پس جمله **منفی** میشود.

اعداد: Numbers

همانطور که در بخش های قبل اشاره کردیم اعداد هم جزئی از تعیین کننده ها محسوب میشوند. ما می‌توانیم قبل از اسم های قابل شمارش از اعداد برای مشخص کردن تعداد آن اسم استفاده کنیم. نکته ای که اینجا وجود دارد این است که به غیر از عدد یک، بعد از سایر اعداد باید اسم جمع قابل شمارش بکار برده شود.

اعداد هم به عنوان تعیین کننده های قبل از اسم به کار میروند. زمانی که اعداد دارای دهگان و یکان باشند و به صورت حروفی نوشته بشوند، چه قبل از اسم و یا بدون اسم بیایند، باید بین دهگان و یکان یک خط تیره قرار داده بشود. این موضوع فقط در مورد اعدادی هست که دهگان و یکان دارند و شامل اعداد بزرگتر نمیشود. پس باید اعداد بیست و یک تا نود و نه که قبل از اسم برای تعیین تعداد آن اسم قابل شمارش به کار میروند، خط تیره ای بین دهگان و یکان آنها قرار داده شود.

eighty- three horses

forty- seven books

twenty- five languages

نکته مهم ۱: اما اعداد صد، هزار، میلیون و بالاتر (اگر به صورت حروفی نوشته شوند)، گذاشتن خط تیره ما بین آنها لازم نیست

three **hundred** horses

one **million** books

و همیشه بصورت مفرد نوشته میشوند و حالت جمع ندارند:

one **million** of books

نکته مهم ۲: ما بین عدد و اسم هرگز حرف اضافه ای نمی‌آید.

نکته مهم ۳: برای اشاره به مفاهیم کلی مثل صدها، هزاران، میلیونها و... میتوان اعداد را جمع بست و قبل از آن اسم از حرف اضافه **of** استفاده کرد:

hundreds of students - thousands of books - millions of birds

نکته مهم ۴: اگر هر عددی بالاتر از صد تا بی نهایت، دارای عددی باشد که دهگان و یکان دارد، فقط ما بین عدد دهگان و یکان خط تیره گذاشته می شود:

two hundred **thirty-five books**

دویست و سی و پنج کتاب

one thousand **sixty-eight books**

یک هزار و شصت و هشت کتاب

یادآوری مهم: همانطور که می دانید در انگلیسی صفت می تواند قبل از اسم قرار بگیرد. در اسمهایی که قابل شمارش باشند و قبل از آنها صفت آمده باشد می توانیم برای شمردنشان قبل از آنها از اعداد استفاده کنیم. صفت ما بین عدد و اسم می آید. اگر اسم مفرد باشد می توانیم از ترکیب زیر استفاده کنیم:

اسم مفرد قابل شمارش + صفت + **one**

I bought **one interesting** book.

و اگر اسم قابل شمارش جمع باشد باید از ترکیب زیر استفاده کنیم:

اسم قابل شمارش جمع + صفت + **two/three/**

I bought **two interesting** books.

نحوه استفاده از How many: زمانی از How many در جمله برای سوالی کردن استفاده می کنیم که بخواهیم از تعداد اسم قابل شمارش جمع در جمله باخبر شویم. پس باید حواسمان باشد که بعد از How many فقط اسم قابل شمارش جمع مورد استفاده قرار می گیرد و ما نمی توانیم از اسم مفرد قابل شمارش استفاده کنیم. برای سوالی کردن از ترکیب زیر استفاده می کنیم:

ساختار سوالی جمله + اسم قابل شمارش جمع + **How many**

How many **children** do you have?

نحوه استفاده از How much: زمانی از How much برای سوالی کردن استفاده می کنیم که بخواهیم از مقدار اسم غیر قابل شمارش در جمله مطلع شویم. پس به این نکته توجه کنید که بعد از How much از اسم غیر قابل شمارش استفاده میکنیم. برای سؤالی کردن از ترکیب زیر استفاده می شود:

ساختار سؤالی جمله + اسم غیر قابل شمارش + **How much**

How much **money** do you need?

one of: به معنی (یکی از) قبل از اسم جمع قابل شمارش می آید اما فعل همراه آن همواره بصورت مفرد خواهد آمد: (۰ بعد از آن هم چنانچه صفتی بیاید، آن صفت، صفت عالی یا برترین خواهد بود).

One of my best students has a lot of story books.

فعل مفرد اسم جمع صفت عالی

both: به معنی (هر دو) قبل از اسامی جمع قابل شمارش می آید و فعل همراه آن بصورت جمع میباشد.

I have tow brothers. **Both of my brothers** are doctors.

فعل جمع اسم جمع

each / every : به معنی (هر) میباشند و هر دو قبل از اسم **مفرد** قابل شمارش می آیند و فعل همراه آنها همواره به صورت **مفرد**

خواهد بود:

There are a lot of cars on the street but **every car has** a different color.

فعل مفرد اسم مفرد

any : به معنی (هیچ، هیچی) در جملات منفی و سؤالی بکار برده میشود: (قبل از هر نوع اسمی میآید).

Are there **any** cars in the street?

No, there aren't **any** cars.

نکته: any به معنی (هر) در جملات مثبت قبل از اسمی **مفرد** قابل شمارش میآید:

It is necessary for **any member** of the club to be on time.

اسم مفرد

نکته مهم و کنکوری: **only** (فقط) قبل از **a little** و **a few** استفاده میشود.

The village was very small. There were **only a few houses**.

اسم جمع قابل شمارش

Why don't you hurry? We have **only a little time**.

اسم غیر قابل شمارش

نکته ای مهم (منحصرأ زبان):

ممکن است که اسمی غیر قابل شمارش در معنی دیگری بکار رفته باشد که در این صورت قابل شمارش محسوب میشوند و می توانند جمع بسته شوند. پس این اسمی دارای دو معنی متفاوت هستند و چنانچه در یک تست با آنها مواجه شدیم ابتدا باید تعیین کنیم که در آن جمله در نقش غیر قابل شمارش خود بکار رفته اند و یا قابل شمارش.

مهمترین اسمی که هم میتوانند قابل شمارش باشند و هم غیر قابل شمارش عبارتند از:

غیر قابل شمارش	قابل شمارش	اسم	غیر قابل شمارش	قابل شمارش	اسم
چوب	جنگل	wood	کار	اثر هنری	work
خوراک	غذا	food	وقت ، زمان	دفعه - بار	time
بازی	نمایش نامه	play	فضا	اتاق	room
گوشت مرغ	جوجه (پرنده)	chicken	نور	چراغ	light
شیشه	لیوان	glass	مو	تار مو	hair
آب	جویبار - جوی	water	کاغذ	روزنامه	paper
تجربه	حادثه ، رویداد	experience	آهن	اتو	iron

جمله ساده: Simple Sentence

جمله ساده به جمله ای گفته میشود که حداقل دارای یک فاعل و یک فعل باشد. البته در این جملات می توانیم از مفعول و قید هم استفاده کنیم. در این گونه جملات ما داریم درباره یک کسی یا یه چیزی صحبت می کنیم که به آن فاعل جمله میگویند. به تعریف دیگر فاعل انجام دهنده آن کار یا عمل فعل است. به کلمه ای که فاعل آن را انجام میدهد فعل میگویند.

They are singing.
فاعل فعل

He fell down.
فاعل فعل

My brother is sleeping.
فاعل فعل

فاعل می تواند شامل موارد زیر باشد:

Hassan, Jack, Zahra, David, Parsa

اسم شخص :

I, you, he, she, it, we, they

ضمیر فاعلی :

house, mountain, road, shop, school, class

اسم مکان :

computer, car, book, airplane

اسم شی یا وسیله :

توجه کنید: در زبان انگلیسی اولین حرف اولین کلمه هر جمله ای باید با حرف بزرگ نوشته شود و در انتهای جمله ی خبری باید "نقطه" گذاشته شود .

مفعول: یک جمله ساده به غیر از فاعل و فعل می تواند مفعول هم داشته باشد و مفعول اسمی است که کار بر روی آن انجام میشود. مفعول بعد از فعل اصلی جمله یا بعد از حروف اضافه بکار برده میشود.

He is drinking water.

چنانچه خواهیم مفعول در جمله ای تکرار شود به جای آن از ضمائر مفعولی استفاده میکنیم.

me, you, him, her, it, us, you, them

انواع فعل ها:

He plays football.

فعل متعدی : فعلی است که در جمله به مفعول نیاز دارد.

He came.

فعل لازم : فعلی است که نیازی به مفعول ندارد.

تعریف قید: قید کلمه ای است که برای توصیف نحوه، زمان، مکان و تعداد دفعات تکرار فعل در جمله مورد استفاده قرار می گیرد. یک جمله ساده میتواند علاوه بر داشتن فاعل، فعل و مفعول اطلاعات دیگری رو به شکل قید های مکان، زمان، حالت و قیدهایی تکرار در جمله به ما بدهد.

He is studying English hard.

او دارد به شدت انگلیسی می خواند.

انواع قید: ۱- قید حالت ۲- قید مکان ۳- قید زمان ۴- قید تکرار

۱- قید حالت: قید های حالت چگونگی و نحوه انجام و اتفاق افتادن فعل را بیان میکنند. مثلاً آن فعل به چه صورتی انجام شده است. برای مثال ۲ دونه را در نظر بگیرید. هر دوی آنها درحال دویدن هستند اما ممکن است یکی از آنها "سریع" بدود و یکی از آنها "آرام" بدود. در اینجا فعل ما "دویدن" است. اما آن کلمه ای که میآید و درباره نحوه انجام شدن آن فعل یعنی سریع یا آرام دویدن صحبت می کند قید حالت نامیده میشود. مثال:

They are running. Jack is running **fast**, but his friend is running **slowly**.

آنها دارن میدوند. جک دارد **سریع** میدود ولی دوستش دارد **آهسته** میدود.

برای پیدا کردن قید حالت می توانیم با پرسیدن سؤال "how" یا "چطور" متوجه قید حالت در جمله بشویم.

How is Jack running? He is running fast.

جک داره چطور میدود؟ اون داره **سریع** میدود.

با اضافه کردن پسوند "**ly**" به آخر برخی از صفت ها، قید حالت ساخته میشود.

جایگاه قرارگیری قیدهای حالت در جمله:

قیدهای حالت که برای توصیف حالت فعل می باشند به طور معمول قبل یا پس از فعلی که می خواهد حالتش را بیان کنند

قرار می گیرند. اگر فعلی، فعل متعددی باشد یعنی دارای مفعول باشد این قیدها می توانند پس از مفعول قرار بگیرند.

She read the letter **slowly**.

قید حالت مفعول فعل فاعل

She **slowly** read the letter.

فعل اصلی قید حالت

باید به این نکته توجه کنید که قید حالت نمی تواند بین فعل و مفعول قرار بگیرد:

She read **slowly** the letter.

این جمله نادرست می باشد چون قید حالت slowly بین فعل و مفعول قرار گرفته است.

۲- قید مکان: قیدهای مکان قیدهایی هستند که درباره مکان انجام شدن و اتفاق افتادن فعل صحبت میکنند. پس به عبارت دیگر قیدهای مکان در واقع کلماتی هستند که "مکان و جای" انجام شدن فعل را نشان میدهند. همان مثال دهنده را در نظر بگیرید.

Jack is running **on the street**.

برای اینکه در یک جمله قید "مکان" را شناسایی کنیم می توانیم سؤال "where" یا "کجا" را بپرسیم:

Where is jack running?

Jack is running **on the street**.

قیدهای مکان غالباً در انتهای جمله به کار می روند. اگر در جمله فقط قید مکان داشته باشیم می تواند پس از فعل یا مفعول آن قرار بگیرد. اما این قید نمی تواند ما بین فعل و مفعولش بیاید.

I met my friend **on the street**.

NOT: I met **on the street** my friend.

۳- قید زمان: قیدهای زمان قیدهایی هستند که درباره زمان انجام شدن فعل به ما اطلاعاتی را ارائه می کنند. این قیدها به ما میگویند که چه زمانی آن کار (فعل) اتفاق افتاده است. پس می توانیم بگوئیم که قیدهای زمان کلماتی هستند که زمان اتفاق افتادن یک کاری را به ما نشان میدهند و میگویند که این کار چه زمانی رخ داده است:

Jack was running **yesterday**.

برای اینکه در یک جمله ای بخواهیم قید زمان را مشخص کنیم می توانیم سؤال "when" یا "کی"، "چه موقع"، یا "چه زمانی" را بپرسیم تا قید زمان در جمله مشخص شود.

When was Jack running?

He was running **yesterday**.

قیدهای زمان به طور معمول می توانند هم در ابتدای جمله و هم در انتهای جمله قرار بگیرند.

I saw my friend **yesterday**.

Yesterday I saw my friend.

نحوه و ترتیب قرار گرفتن قیدهای حالت، مکان و زمان:

He was walking slowly on the street this morning.

قید زمان قید مکان قید حالت

۴- قید های تکرار: (Adverbs of Frequency) برخی از قیدهای تکرار عبارتند از:

always	همیشه	usually	معمولاً	generally	معمولاً	often	اغلب
sometimes	گاهی اوقات	normally	معمولاً	hardly	به ندرت	never	هرگز
scarcely	به ندرت	barely	به ندرت	seldom	به ندرت	occasionally	گاهگاهی
frequently	اغلب	rarely	به ندرت	hardly ever	به ندرت		

چرا به قیدهای فوق قید تکرار میگویند؟ چون این قیدها تعداد دفعات تکرار و انجام شدن فعل را بیان می کنند. مثلاً قید تکرار always نشان میدهد که عمل انجام شدن فعل همیشگی بوده و آن کار همیشه اتفاق میافتد.

۱- قیدهای تکرار در زمان حال ساده که دارای یک فعل هستند قبل از فعل قرار می گیرند. مفهوم این جمله این است که اگر یک فعل در جمله باشد و فعل کمکی نباشد، قید تکرار قبل از آن فعل قرار میگیرد.

He **usually** plays football on Saturday.

فعل اصلی قید تکرار

۲- اگر در جمله فعل to be داشته باشیم، قید تکرار بعد از این گونه فعلها قرار میگیرد.

He is **often** late.

قید تکرار فعل to be

۳- جملاتی که دارای یک، دو و یا سه فعل کمکی باشند، قیدهای تکرار بعد از اولین فعل کمکی قرار می گیرد.

She **is always** leaving his dirty socks on the floor.

I **can never** remember his name.

نکته ای بسیار مهم: چنانچه در جمله ای یکی از قیدهای تکرار :

rarely - barely - seldom - scarcely - hardly - hardly ever - never

بکار رفته باشد، آن جمله جمله ای منفی بحساب میآید و دیگر در آن جمله قید منفی ساز not و یا no بکار برده نمیشود.

I **rarely** go swimming. (به شنا نمیروم)

نکته: قید تکرار sometimes در ابتدا و انتهای جمله هم میآید اما جمله از نظر معنی تغییر نخواهد کرد:

Sometimes I have lunch at work. = I have lunch at work **sometimes**.

نکته: برای سؤالی کردن قیدهای تکرار از How often (چند وقت به چند وقت) استفاده میکنیم:

How often do you have Math?

We **always** have math on Mondays and Wednesdays.

کلمات مترادف: Synonyms

کلمات مترادف کلماتی هستند که از نظر معنی با همدیگر برابر هستند و میتوانند در جمله به جای هم قرار بگیرند و جمله از نظر معنی تغییر نکند. کلمات مترادف میتوانند از نظر ظاهری کلماتی کاملاً متفاوت باشند مثل predict و foresee.

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
مراقبت کردن از	take care of	look after	قطعا - حتما	surely	absolutely
مسابقه	race	match	اضافی	extra	additional
لازم - ضروری	essential	necessary	علاوه بر	in addition	besides
پیش بینی کردن	foresee	predict	علی رغم	in spite of	despite
جلوگیری کردن	stop	prevent	سریع	quick	fast
تولید کردن	make	produce	شکل دادن	make up	form
به درستی	appropriately	properly	خوشبختانه	luckily	fortunately
به ندرت	seldom	rarely	رها کردن	give up	quit
به ندرت	barely	hardly	عمدتاً - اساساً	mostly	greatly
اخیر - تازه	new	recent	تصور کردن	think of	imagine
راز - رمز	mystery	secret	عمدتاً - اکثراً	greatly	largely
شرکت کردن در	attend	take part in	تقریباً	about	nearly
عنوان	title	topic	توجه کردن	attention	notice
متأسفانه	unluckily	unfortunately	تکه - قطعه	slice	piece
جلوگیری کردن	prevent	avoid	قدرتمند	strong	powerful
وسیله	tools	means	ناحیه - منطقه	area	region
هدایت کردن	guide	direct	جستجو کردن	search for	seek
تأثیر	influence	effect	ویژه - خاص	certain	special
به ویژه	specially	in particular	مناسب	appropriate	suitable
عصبی	angry	nervous	کوچک	small	tiny
متخصص	expert	specialist	یکسان - مشابه	similar	same
به دست آوردن	gain	achieve	با ارزش	expensive	valuable
متعجب	surprised	amazed	عالی	fantastic	excellent
شرمنده	embarrassed	ashamed	یه خورده	a little	a bit
تلاش - سعی	try	attempt	در واقع	in fact	actually
تنوع - گوناگونی	difference	diversity	آب نبات	sweet	candy
ترسیده	afraid	frightened	ویژه - خاص	particular	specific
سفر	travel	tour	هدف - مقصد	aim	goal
لذت، خوشی	enjoyment	pleasure	تک، تنها	single	unique
به طور کامل	entirely	totally	تجارت	trade	business

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
فهمیدن	understand	recognize	مؤثر - مفید	efficient	effective
وسیع	wide	vast	مشهور - معروف	well-known	famous
مقاله	article	essay	کلی - معمولی	normal	general
موجود - در دسترس	at hand	available	رویداد - واقعه	event	happening
علامت - نشانه	symbol	sign	مضر	harmless	harmful
علاوه بر	furthermore	besides	ادامه دادن	continue	keep on
اجتماعی - صمیمی	friendly	sociable	زود - به زودی	soon	early
خلاق	inventive	creative	پروژه - طرح	scheme	project
صنعت - هنر	art	craft	متغیر بودن	vary	range
ارزش - بها	value	price	کاهش دادن	decrease	reduce
تاثیر بر انگیز	emotive	touching	نوع - دسته	kind	type
ترسیده	scared	frightened	کسب کردن	obtain	earn
نشان دادن	show	reflect	آرام - ساکت	quiet	calm
بشر	mankind	humankind	مضر	hurtful	harmful
گیج	mixed up	confused	هشدار	warn	alarm
تلاش - سعی	endeavor	attempt	خطر	danger	risk
آسان	easy	simple	انتظار داشتن	hope for	expect
مصنوعی	hand-made	artificial	شامل بودن	include	contain
تمرین	exercise	practice	بیماری	illness	disease
رسم - آیین	tradition	custom	شرکت کردن	participate	attend
وابسته بودن به	rely on	depend on	رفتار کردن	treat	behave
افزایش دادن	enhance	increase	در خطر	at risk	endangered
جنگل	jungle	forest	دفاع کردن	protect	defend
عادی ، رایج	ordinary	common	انسان، شخص	person	human
واقعاً	actually	really	کسل کننده	uninteresting	boring
قاعده، قانون	law	rule	از دست دادن	miss	lose
زخمی، مجروح	damaged	injured	درد	ache	pain
در عوض، به جای	in place of	instead of	نجات دادن	protect	save
تعجب برانگیز	surprising	amazing	طرح، نقشه	plan	strategy
فیلم	film	movie	منظم، مرتب	normal	regular
بالا رفتن	mount	climb	اگر چه	although	however
راضی، خرسند	gratified	satisfied	شاد	glad	cheerful
تنوع	variety	diversity	رسم، سنت	tradition	custom

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
الگو، روش	method	pattern	تشخیص دادن	recognize	identify
متوسط	medium	average	جاده، مسیر	path	road
نزدیک	close	near	اطراف، دور و بر	surrounding	around
میکروب	germ	microbe	درک، فهم	understanding	comprehension
شجاع، نترس	fearless	brave	چرخیدن	rotation	orbit
رنگ، رنگ کردن	color	paint	تازه، جدید	recent	fresh
نکته	clue	hint	خوشمزه	tasty	delicious
دایره، حلقه	circle	ring	عجیب، غیر عادی	uncommon	strange
خلق، شکل گیری	formation	creation	بهشت	paradise	heaven
نگه داشتن	hold	keep	قسمت، بخش	part	organ
گران	costly	expensive	عقیده، نظر	attitude	opinion
مقایسه کردن	weigh	compare	عنصر	component	element
بیماری	illness	sickness	توصیف کردن	explain	describe
وسيله، ابزار	tools	device	نشانگر، کمان	indicator	arrow
به دست آوردن	get	gain	مهارت، توانایی	ability	skill
مشابه، شبیه	alike	similar	نیاز داشتن	demand	require
محل	location	site	فوراً	immediately	at once
قدیمی	old	ancient	تعطیلی	holiday	vacation
بومی، محلی	local	native	سرگرمی	amusement	entertainment
عمده، اصلی	chief	main	احتمالاً	perhaps	probably
مشهور	famous	popular	سرگرمی	hobby	recreation
برگشتن	come back	return	جنگ، دعوا	fighting	war
با خونسردی	calmly	patiently	ظهر، نصف روز	noon	midday
ساکت	silent	quiet	آموزش دادن	educate	train
جامعه	community	society	گستاخانه، با پر رویی	impolitely	rudely
احترام	regard	respect	تقریباً	almost	nearly
باهوش	clever	smart	کشاورزی	agriculture	farming
متوازن، پایدار	stability	balance	ناراحت	unhappy	depressed
بدنی، جسمی	bodily	physical	آرام، خون سرد	relaxed	calm
ارتباط	connection	relationship	احساساتی، حساس	sensitive	emotional
دلیل	cause	reason	موقعیت	situation	condition
موضوع	topic	subject	مخرب	damaging	destructive

تست واژگان درس یک Vocabulary Tests of Lesson 1

1. Our ----- to think and speak makes us different from other animals.
a. ability b. activity c. research d. memory
2. Everyone needs to have both ----- and physical health.
a. mental b. religious c. careful d. reasonable
3. Like so many other companies at that time, we had to ----- to survive.
a. borrow b. exist c. master d. form
4. These days it is very difficult to predict what will ----- next year.
a. respect b. communicate c. imagine d. happen
5. To be quite -----, I don't think your son will be successful in this field of study.
a. honest b. worry c. strange d. familiar
6. The police ----- the copy with the original, but there was not much difference.
a. combined b. connected c. compared d. considered
7. Most of the ancient languages have ----- because they have no speakers.
a. gone out b. died out c. given up d. come in
8. That book is appropriate for young children. "appropriate" means -----.
a. efficient b. various c. suitable d. explicit
9. Education and training are the most effective ----- of importing a nation's culture.
a. layers b. results c. means d. functions
10. Every month the group meets so its members can ----- their opinions.
a. contrast b. range c. exchange d. imagine
11. I didn't believe his ----- that he had stolen the money to give it to charity.
a. space b. notice c. value d. explanation
12. At my mom's birthday, I booked a table for four at her ----- restaurant.
a. extra b. native c. favorite d. impossible
13. Mother ----- is the first language that you learn when you are a baby.
a. interest b. tongue c. sign d. experience
14. The road was very busy and we lost ----- time in heavy traffic.
a. wrong b. valuable c. probable d. mental
15. It would not be most ----- for all of us to discuss it now before we make any decision.
a. public b. straight c. willing d. appropriate
16. Galileo was ----- the first person to use the telescope to observe the sky.
a. continuously b. firmly c. recently d. probably
17. Computers have given banks the ----- to do millions of transfers a day.
a. variety b. process c. power d. voluntary
18. Because of advances in the world, the ----- of family life has changed recently.
a. choices b. patterns c. schedules d. actions
19. Average temperatures in April ----- from 15 to 25 degrees.
a. scan b. master c. range d. imagine

20. It's clear that fluency and ----- are more important than grammar when speaking.
a. pattern b. tongue c. step d. communication
21. I couldn't communicate with him in English, -----, I had to use body language.
a. besides b. therefore c. in addition d. however
22. When preparing meals, you need to think about variety, taste and nutritional -----.
a. values b. points c. beliefs d. prices
23. We must also consider the needs of the younger members of population to have a good -----.
a. society b. grade c. history d. experience
24. By practicing regularly, her piano playing has ----- improved.
a. greatly b. honestly c. wrongly d. probably
25. -----, most of the road accidents happen because of the drivers' carelessness.
a. Luckily b. Nowadays c. Fortunately d. Wrongly
26. Reza is not happy with his income, so he is ----- a new job in a larger city.
a. turning on b. turning up c. looking for d. looking after
27. Ali and Mehdi run a large company together and are very good business -----.
a. winners b. students c. patterns d. beginners
28. He travelled all ----- ranged from Europe to Asia to raise money for charity.
a. cities b. towns c. continents d. states
29. He had no doubts about his team's ----- to reach the World Cup Finals.
a. ability b. region c. pattern d. grade
30. I know from ----- that Tony never keeps his promises.
a. communication b. experience c. society d. mind
31. To save your life, in times of emergency, you should ----- action as quickly as you can.
a. put b. take c. make d. hold
32. The children were saved but the fire ----- their home.
a. caught b. suffered c. destroy d. shock
33. I wasn't entirely ----- with him, I admit, but I didn't actually tell him any lies.
a. honest b. extra c. impossible d. proper
34. The book was written in a style ----- to the age of the children.
a. addictive b. appropriate c. frequent d. tiny
35. Writing ----- in a journal helps him overcome his fear of writing in a second language.
a. physically b. mentally c. frequently d. immediately
36. Life in the 19th ----- was very different from what it is now.
a. step b. region c. century d. ceremony
37. Raman is one of the top students of the class and he often gets good -----.
a. prices b. grades c. steps d. choices
38. I asked him to drive more slowly, but he didn't take any -----.
a. nation b. notice c. range d. region
39. If Iranian ate fewer food with sugar and salt, their ----- health would be better.
a. general b. material c. mineral d. official

40. To learn a foreign language in your country, you should attend a language -----
a. observatory b. institute c. building d. hospital
41. Many people suffer from some form of ----- illness during their lives.
a. favorite b. available c. tiny d. mental
42. The last time I have ----- a dentist goes back to six month ago.
a. visited b. lost c. enjoyed d. borrowed
43. You must be ----- silent or the birds won't appear.
a. nearly b. wrongly c. absolutely d. recently
44. I haven't seen my friend for a long time, but last week I ----- a phone call from him.
a. attended b. met c. received d. saved
45. You got 20 ----- of the answers right – that means one in every five.
a. gift b. ceremony c. trip d. percent
46. Unable to speak a word of the language, he ----- with his hands.
a. met b. exchanged c. communicated d. protected
47. This type of computer is too slow and inflexible to ----- many business needs.
a. receive b. meet c. visit d. imagine
48. There were so many different ----- of bread that I didn't know which to buy.
a. means b. regions c. jobs d. types
49. I finally passed my driving test the fourth time I ----- it.
a. gave b. took c. held d. got
50. We were late getting to the airport, but ----- for us, the plane as delayed.
a. luckily b. basically c. certainly d. completely
51. A: "Did you know that Maria's getting married?" B: "No, I didn't. How -----!"
a. responsible b. serious c. wonderful d. probable
52. A computer does all the tasks by ----- of processing the information.
a. phases b. means c. tools d. devices
53. We tried to take the patient to the hospital early in the morning, but there was no taxi ----- at that time.
a. reasonable b. responsible c. suitable d. available
54. It takes a long time to ----- a foreign language.
a. forward b. guess c. master d. rethink
55. Storms ----- in their strength. They can be harmless and do no damage, or they can be very dangerous.
a. update b. vary c. pump d. remove
56. Don't worry! Buses drive ----- between the hotel and the airport.
a. primarily b. frequently c. seriously d. interestingly
57. The government has been blamed for not answering ----- to the needs of the homeless.
a. appropriately b. comfortably c. physically d. surprisingly
58. All of the performers played ----- in the concert.
a. economically b. mainly c. wonderfully d. fortunately
59. We all need variety in our meals. In other words, we require ----- nutrients.
a. specific b. complex c. different d. normal

60. The water in this area contains a small ----- of calcium and other minerals.
a. effect b. amount c. account d. function
61. Most people know little about ----- health problems.
a. painful b. mental c. brief d. chemical
62. All the parking meters were taken, so we had to ----- a parking lot.
a. turn up b. look for c. pick up d. insist on
63. Scientists are trying to find out when an earthquake occurs. "occurs" means -----.
a. include b. continue c. produce d. happen
64. Some kinds of animals ----- with one another by means of signs.
a. communicate b. inform c. refer d. compete
65. A planned series of actions for achieving something is called -----.
a. step b. confidence c. strategy d. secret
66. Students should set a ----- time aside to do their homework.
a. mental b. aware c. specific d. domestic
67. Unemployment as a ----- issue remained unsolved and politicians couldn't find any solution.
a. local b. busy c. interesting d. social
68. She has been working ----- hours to save enough money for next summer vacation.
a. extra b. confusing c. voluntary d. necessary
69. Physical exercise can ----- you against heart disease.
a. develop b. create c. protect d. improve
70. He ----- his job to find a better one.
a. separated b. gave up c. disliked d. put off
71. The cost of the project has greatly ----- since its construction.
a. introduced b. completed c. increased d. performed
72. Our professor is always ----- to talk to his students.
a. probable b. strong c. popular d. available
73. I have ----- a useful experience from doing that job for years.
a. contained b. guessed c. gained d. quitted
74. Ali was sent to a company in China and his ----- was to explain them our goals.
a. dream b. mission c. pattern d. offer

تست گرامر درس یک *Grammar Tests of Lesson 1*

1. We ran out of sugar and I asked Jack to buy ----- on his way home.
 a. two bag of white sugar b. two bags of sugar white
 c. two bags of white sugar d. two bag of white sugars
2. I haven't been paid for two ----- . Can I ask you lend me ----- money?
 a. months - some b. month - many c. months - a few d. month - few
3. A: "Let's go out tonight."
 B: "Okay. I have ----- money, enough for the cinema at least."
 a. a little b. many c. little d. a few
4. In Alaska in the winter, there ----- a lot of ----- on the ground.
 a. is-snows b. are-snow c. is-snow d. are-snows
5. There is only ----- water in the glass. Please give me some more.
 a. many b. much c. a few d. a little
6. He is ----- amazing football player because he can use his both ----- to shoot the ball.
 a. a-feet b. an-foot c. an- feet d. a-foot
7. My children usually drink ----- in the morning. It keeps them healthy.
 a. two glass of milk b. two glass of milks
 c. two glasses of milk d. two glasses of milks
8. I wonder how Jack is. I haven't seen him for -----.
 a. few month b. a few months c. few months d. a few month
9. A: "How ----- did you buy?" B: "I bought ----- kilos."
 a. many fruit-two b. much fruit-two c. many fruit-one d. much fruit-one
10. A: "Do you mind if I ask you ----- important -----?" B: "No, not all."
 a. many - question b. much - question
 c. many - questions d. a little – questions
11. New York is a very modern city. There are almost very -----.
 a. a few buildings old b. little old building
 c. few old buildings d. a little building old
12. Thomas already knew ----- before he attended the institute.
 a. some grammar English b. many English grammar
 c. many grammar English d. some English grammar
13. A: "Were there ----- passengers on the plane?" B: "Not, -----."
 a. much-many b. a lot of-many
 c. much- a few d. a lot of- much
14. We can all get on the bus. There are only ----- passengers on it now.
 a. many b. much c. a few d. a little
15. Yesterday we had some ----- and I went to the bakery to buy three -----.
 a. guest-loaf of bread b. guests-loaf of bread
 c. guest- loaves of bread d. guests-loaves of bread
16. Many people know two languages, but ----- people speak more than -----.
 a. very few- ten languages b. very little- ten languages
 c. very a few- ten language d. very a little- ten language

17. Is there ----- traffic in your town?
a. a few **b. many** **c. some** **d. much**
18. A: Do you have five dollars?"
 B: "No, I don't, but David has ----- money with him."
a. a lot of **b. much of** **c. many** **d. lots**
19. Spain is a beautiful country. It is ----- the countries I want to visit.
a. a **b. a lot of** **c. one of** **d. a little of**
20. Since I started my new job, it seems like I've got ----- time to do the things I enjoy.
a. very few **b. very little** **c. very a lot** **d. very many**
21. We invited ----- member of the club to the party last night.
a. all **b. both** **c. each** **d. a little**
22. I gave presents to ----- of the four students in the class.
a. both **b. little** **c. each** **d. much**
23. A: "How ----- do you have to do tonight?" B: "I've got a lot."
a. many homework **b. a few homework**
c. a little homework **d. much homework**
24. Only ----- people stay calm to help the injured man after the accident.
a. much **b. a few** **c. many** **d. a lot of**
25. A: "How ----- butter do you need?" B: "I only need a little."
a. much **b. many** **c. few** **d. a lot**
26. A: "Have you ever travelled to Shiraz?"
 B: "Yes I have been there ----- years ago."
a. a little **b. many** **c. a lot of** **d. much**
27. You shouldn't eat ----- butter in the breakfast. It's not good for your health.
a. too much **b. very a little** **c. too many** **d. very few**
28. I don't know ----- students in this class. Because I am a newcomer.
a. a little **b. a few** **c. many** **d. much**
29. I had ----- soup and ----- sandwich for lunch. They were really delicious.
a. some - some **b. a - some** **c. some - a** **d. a - a**
30. A: "How ----- apples did you eat?" B: "I ate ----- apples."
a. many - a few **b. much - some**
c. many - a little **d. a lot of - a few**
31. Gary works a lot during the day, so he has very ----- time for his family.
a. much **b. few** **c. lots of** **d. little**
32. There is some ----- on the table.
a. Mice **b. rice** **c. oranges** **d. bowls**
33. He had three useful ----- information to tell me.
a. bars of **b. some** **c. pieces of** **d. much**
34. I cannot see ----- birds in the sky.
a. much **b. a lot** **c. any** **d. some**
35. She is not able to buy this cell phone. She has ----- money.
a. many **b. few** **c. a lot of** **d. little**

36. A: How ----- money do you need? B: I need -----.
- a. much / a little b. much / a lot of c. many / a few d. many / some
37. This jar holds ----- water. I will take it.
- a. fewer b. any c. many d. a lot of
38. My mother often puts ----- sugar in her tea, that's why she's getting fat.
- a. a little b. a few c. much d. any
39. There are ----- notebooks on the desk.
- a. any b. a few c. much d. little
40. Hurry up! We only have ----- time before the train leaves.
- a. a little b. a few c. many d. much
41. How much ----- on English last week?
- a. did you spend time b. did time you spend
c. time did you spend d. time you spend
42. There were too many cars ----- and people had to drive -----.
- a. yesterday in the street-slowly b. in the street yesterday-slow
c. in the street yesterday-slowly d. yesterday in the street-slow
43. ----- I saw him riding a horse -----.
- a. Yesterday-fastly in the countryside b. Fast- yesterday in the countryside
c. Yesterday- fast in the countryside d. Fast- in the countryside yesterday
44. He did ----- stomach exercises -----.
- a. some- in the gym last evening b. a lot of- last evening in the gym
c. a little – in the gym last evening d. many- last evening in the gym

Sentence Structure:

Direction: Choose the sentence with the best order for each of the following series (45 - 54)

- 45.
- a. An airplane slowly was flying in the sky yesterday at this time.
b. In the sky an airplane was slowly flying at this time yesterday.
c. An airplane was yesterday flying slowly in the sky at this time.
d. An airplane was slowly flying in the sky at this time yesterday.
- 46.
- a. Do usually you go to work by car or by bus?
b. Do you usually go to work by car or by bus?
c. Work to do you usually go by car or by bus?
d. By car or by bus to work do you usually go?
- 47.
- a. He always is watching a lot of TV.
b. He is always watching a lot of TV.
c. He is watching always a lot of TV.
d. He is watching a lot of always TV.
- 48.
- a. Is often it very hot here in summer?
b. Is it often very hot here in summer?
c. Is it very hot often here in winter?
d. Is it here often very hot in winter?

49.

- a. I take my children to school every day.
- b. My children I take it school every day.
- c. Take my children I to school every day.
- d. I my children take to school every day.

50.

- a. I sometimes listen to radio at night.
- b. I listen sometimes at night to radio.
- c. I to radio sometimes listen at night.
- d. I listen at night to radio sometimes.

51.

- a. I'm going to invite a lot of people to the party tomorrow.
- b. I'm going to invite to the party a lot of people tomorrow.
- c. I'm going to a lot of people invite to the party tomorrow.
- d. I'm going to tomorrow to the party invite a lot of people.

52.

- a. Do you so fast often drink a lot of milk in the morning?
- b. Often do you drink in the morning a lot of milk so fast?
- c. Do you often drink a lot of milk so fast in the morning?
- d. Do you often drink so fast a lot of milk in the morning?

53.

- a. I bought thirty seven pencils for my students.
- b. He lent one hundred-sixty one dollars to his brother.
- c. He borrowed one thousand thirty-nine dollars from his friend.
- d. There are two-hundred seventy two apple trees in that jungle.

54.

- a. There are some fresh bread in the refrigerator.
- b. My father bought three bags of rice last evening.
- c. There were not much rain in last spring.
- d. I ate two slices of Italian pizza at the restaurant.

Notes:

Answer Key

Vocabulary Tests															
1	A	11	D	21	B	31	B	41	D	51	C	61	B	71	C
2	A	12	C	22	A	32	C	42	A	52	B	62	B	72	D
3	A	13	B	23	A	33	A	43	C	53	D	63	D	73	C
4	D	14	B	24	A	34	B	44	C	54	C	64	A	74	B
5	A	15	D	25	B	35	C	45	D	55	B	65	C		
6	C	16	D	26	C	36	C	46	C	56	B	66	C		
7	B	17	C	27	C	37	B	47	B	57	A	67	D		
8	C	18	B	28	C	38	B	48	D	58	C	68	A		
9	C	19	C	29	A	39	A	49	B	59	C	69	C		
10	C	20	D	30	B	40	B	50	A	60	B	70	B		

Grammar Tests																					
1	C	6	C	11	C	16	A	21	C	26	B	31	D	36	A	41	C	46	B	51	A
2	A	7	C	12	D	17	D	22	C	27	A	32	B	37	D	42	C	47	B	52	C
3	A	8	B	13	B	18	A	23	D	28	C	33	C	38	C	43	C	48	B	53	C
4	C	9	B	14	C	19	C	24	B	29	C	34	C	39	B	44	A	49	A	54	D
5	D	10	C	15	D	20	B	25	A	30	A	35	D	40	A	45	D	50	A		